

دفن جسد خواهر بعد از جنایت



عکس: سیمرغ

پسر نوجوان که خواهرش را به قتل رسانده و جسدش را در خانه دفن کرده بود، به شرط اخراج از ایران توسط مادرش، **شریق** به گزارش است. شده جاری به ماموران پلیس خبر داد دخترش مرضیه کشته به گزارش خبرنگار ما، زنی اردیبهشت سال شد. بخشیده

این زن افغان ادعا کرد شوهر و پسر نوجوانش با همدستی هم مرضیه را کشته، جسدش را در انباری خانه دفن کرده و روی آن را با سیمان و کاشی پوشانده‌اند. وقتی محمد و پدرش عبدالغنی بازداشت شدند، محمد که اکنون ۱۶ سال دارد، به قتل خواهرش اعتراف کرد و گفت پدرش در این قتل نقشی نداشت با این وجود عبدالغنی به اتهام دفن غیرمجاز جسد و اختفای قتل به دادگاه عمومی معرفی شد و به دوسال نماینده دادستان در ابتدای جلسه رسیدگی به شد. استان تهران فرستاده حبس تعلیقی محکوم، اما پرونده محمد به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری این پرونده که صبح دیروز برگزار شد، کیفرخواست علیه محمد را خواند و خواستار مجازات او براساس قانون شد. سپس مادر و پدر محمد در جایگاه حاضر شدند. پدر محمد گفت از فرزندش شکایتی ندارد و بدون قید و شرط اعلام رضایت می‌کند.

خواستم او را بکشم. دوماه از قتل گذشته کرد که باعث آبروریزی بود، اما نمی‌من از دخترم مرضیه ناراحت بودم. او کارهایی می‌« او گفت: است گفتم بهتر است نبش قبر نشود چون جسد فاسد شده و نبش قبر هم گناه بود که زخم به من خبر داد مرضیه به دست محمد کشته شده بخشد به شرطی که او برای همیشه از ایران اخراج شود و دیگر سپس مادر مقتول در جایگاه قرار گرفت. او هم گفت محمد را می‌« دارد. گشت. او دوسال از رفت و دوباره برمی‌ها چندروزی از خانه می‌وقت دخترم بیماری روانی داشت، بعضی» پرسش را نبیند. زن جوان گفت: محمد بزرگ‌تر بود. آنها همیشه با هم دعوا داشتند. شوهرم که ما را ترک کرد و رفت، درگیری‌های محمد و خواهرش زیاد شد.

یک طرف دخترم» ماه ماموران را مطلع کرد، گفت: مادر مقتول درباره اینکه چرا همان ابتدا موضوع را به پلیس گزارش نداد و بعد از هفت بود و طرف دیگر پسر، من باید چه کار می‌کردم؟ با خودم گفتم دخترم را از دست داده‌ام پس بهتر است پسر را حفظ کنم. وقتی پسر من دست بلند کرد، دیگر صبرم تمام شد و تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس بگویم. مقصر همه این اتفاقات شوهرم است. او ما را پسر بخشم. من زن دوم او هستم. از زن اولش سه‌دانم و او را نمی‌بود. من شوهرم را مقصر می‌رها کرد و رفت. اگر او بود، حالا مرضیه زنده دارد که یکی از پسرانش در افغانستان سه‌نفر را به قتل رساند و بعد رضایت گرفت، حالا فکر می‌کند من هم از او می‌گذرم، اما این کار را «کنم. نمی‌»

کرد. در آن چندسال بود که خواهرم کارهای خلاف می‌« در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل خواهرش را قبول کرد و گفت: زد. بعد که مرضیه ازدواج کرد باز به کارهایش ادامه کرد، حرف می‌هایی که مرضیه می‌بودم اما پدرم مرتب در مورد آبروریزی زمان من بچه داد. ما همیشه با هم اختلاف داشتیم و درگیر می‌شدیم تا اینکه از شوهرش جدا شد. شوهرش بچه را برداشت و به افغانستان رفت و به ما گفت به‌خاطر اینکه مرضیه به او خیانت می‌کند، او را طلاق می‌دهد. مدتی خواهرم جدا از ما زندگی می‌کرد، بعد دوباره به منزل پدری‌ام سال بود که من مرد بودم، پدرم ما را ترک کرد. یک‌هایی که خواهرم کرده‌آمد. به خاطر اختلافاتی که پدرم با مادرم داشت و آبروریزی روزی قبل از حادثه خواهرم به طور ناگهانی از خانه رفت و بعد از سه‌توانستم تحمل کنم. سه‌شنیدم که نمی‌هایی می‌بودم و حرف خانواده برگشت، از او پرسیدم کجا بودی، گفت به تو ربطی ندارد. به اتاق رفتم تا جروبحث تمام شود اما گوشی تلفن همراه خواهرم را دیدم. آن را چک کردم پیامک‌ها و عکس‌های بدی دیدم و عصبی شدم به آشپزخانه رفتم و با هم جروبحث کردیم. گفت تو از من کوچک‌تر هستی و بود. من هم از ترس اینکه دوباره چاقو بار قبل از این مرا با چاقو زده‌دهم. بعد چاقو برداشت و به من حمله کرد. یک‌به تو جواب پس نمی‌نخورم، او را زدم، بعد هم با روسری خفه‌اش کردم. جسد را به انباری بردم خودم گودال کندم و دفن کردم. مادرم هم شاهد بود، اما خاطر اختلافی که بانقشی نداشت و مادرم به سکوت کرد و چیزی نگفت. متهم گفت: خودم روی قبر را سیمان و کاشی کردم. پدرم هیچ پدرم دارد، او را متهم می‌کند. هیات قضات در پایان برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.